



# مجله اخلاق زیستی

دوره یازدهم، شماره سی و ششم، ۱۴۰۰  
<https://doi.org/10.22037/bioeth.v11i36.35592>



مقاله پژوهشی

## اصول اخلاقی - حقوقی دادرسی منصفانه در رسیدگی‌های مدنی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا

محمدحسن ترابی میرزائی<sup>۱</sup>، علیرضا مظلوم رهنی<sup>۲\*</sup>، علیرضا رجب‌زاده<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.
۲. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. استادیار و عضو هیأت‌علمی، دانشگاه رجا، قزوین، ایران.

### چکیده

**زمینه و هدف:** حق برخورداری از دادرسی منصفانه دربرگیرنده مجموعه‌ای از اصول و قواعد است که جهت رعایت حقوق طرفین در رسیدگی به دعوی آنان طراحی گردیده است. این تضمینات در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق مربوط به حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، به عنوان یکی از حقوق بنیادین و اساسی شناخته شده بشر مورد اشاره قرار گرفته است. هدف از پژوهش حاضر بررسی اصول مزبور در نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا می‌باشد.

**مواد و روش‌ها:** این تحقیق از نوع نظری است؛ روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است که با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، اصول صداقت و امانتداری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اصول بین‌المللی دادرسی منصفانه از حیث نظری مورد توجه حقوق ایران و اتحادیه اروپا قرار گرفته است لیکن در صورت اجرای دقیق و قاطعانه در ساحت عمل به تقویت اعتماد عمومی به دادرسی منصفانه و معتمدانه منجر می‌شود.

**نتیجه‌گیری:** اصول دادرسی منصفانه در رسیدگی‌های مدنی در حقوق اتحادیه اروپا و حقوق ایران مشترک است، اما در هر دو حقوق ایران و دادگاه‌های اتحادیه اروپا، اصول دادرسی منصفانه به صراحت دارای ضمانت اجرا نبوده و ضمانت‌های اجرایی که مطرح می‌شوند به دلیل پذیرفته شدن روح اصول دادرسی منصفانه که در قوانین ایران و اتحادیه اروپایی به آن اشاره شده است، می‌باشد و نه اینکه ضمانت اجرا صراحتاً برای دادرسی منصفانه در نظر گرفته شده باشد.

### اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۹/۱۶

### واژگان کلیدی:

اصول دادرسی منصفانه  
آیین دادرسی مدنی  
حقوق ایران  
اتحادیه اروپا

\* نویسنده مسئول: علیرضا مظلوم رهنی  
آدرس پستی: ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق.  
کد پستی: ۷۹۵۱۵۱۳۹۵  
پست الکترونیک:  
[dr.mazloom14@yahoo.com](mailto:dr.mazloom14@yahoo.com)

## ۱. مقدمه

دادرسی منصفانه زمانی محقق می‌شود که فرصت دفاع و ابراز ادله و سایر حقوق در اختیار طرفین نهاده شود و آن‌ها در فضایی مساوی به طرح و حل و فصل اختلافات خویش بپردازند. در نگاه اول چنین به نظر می‌رسد که در این فرآیند، قاضی به مثابه مدیر جلسه می‌ماند و نقشی جز امضای محتوای آنچه که طرفین پس از مذاکره و جدل به آن می‌رسند، ندارد. این تحلیل از آن جهت نادرست به نظر می‌رسد که از یکسو طرفین همیشه بر مذاکره و گفتگو توافق نمی‌کنند و از سوی دیگر نباید نقش قاضی را به عنوان مرجع حل و فصل اختلافات و پی‌بردن به واقعیت از مجموع اسناد، ادله و اوضاع و احوال انکار کرد، متأسفانه دخالت عوامل مختلف غیر از حق دادخواهی و دفاع منجر به آن شده است که این ایده به طور کامل به ثمر نرسند که دادخواهی و دادرسی همیشه منصفانه است. در واقع دادرسی منصفانه در نگاه موسع، از نظام دادگستری عملی تا قوانین و مقررات را شامل می‌شود و تنها به طرفین دعوی یا صلاحیت و بی‌طرفی دادرسی محدود نمی‌ماند.

اصول دادرسی منصفانه به مثابه ستون‌هایی می‌باشند که احکام و مقررات آیین دادرسی بر پایه آن‌ها طراحی و ساخته شده‌اند، در نتیجه این اصول در موارد تعارض، تزاخم، اجمال و سکوت قوانین به عنوان راهنمای تفسیر و یافتن راهکار به کار گرفته می‌شوند. نظام حقوقی اتحادیه اروپا، نظامی منسجم و پیشرفته محسوب می‌شود که با اتکا بر رویه قضایی و عرف پویا، منطبق بر مقتضیات زمانی توسعه پیدا می‌کند؛ از طرفی در این نظام حقوقی، اصول دادرسی منصفانه به عنوان قسمتی از تعهدات حقوق بشری دولت‌ها مد نظر قرار گرفته است. تعهدات مزبور در حوزه‌های مختلف حقوق دارای یک هدف بسیار مهم هستند که همان استقرار حکومت قانون در جنبه های مختلف زندگی انسان است و اصول دادرسی منصفانه نقش اصلی را در اجرای این امر ایفا می‌کنند. حال پرسشی که

در اینجا مطرح می‌شود، این است که اولاً مصادیق اصول دادرسی منصفانه در نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا کدامند؟ ثانیاً محتوای این دو نظام حقوقی تا چه اندازه در این زمینه با یکدیگر منطبق هستند؟

فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مورد تحلیل قرار خواهد گرفت، این است که مصادیق اصول دادرسی منصفانه در نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا به صورت یک شکل و دارای قلمروی مشابهی می‌باشند، اما ضعف‌ها و خلأهای موجود نه ناشی از فقدان هنجارها و اصول مناسب، بلکه ناشی از عدم اجرای صحیح و واقعی اصول مزبور می‌باشد.

در خصوص پیشینه پژوهش حاضر باید به برخی آثار که در ارتباط با متغیرهای تحقیق صورت گرفته است، اشاره کنیم. در مقاله «حق بر دادرسی در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» نوشته جمشید ممتاز و سیروس متوسل حق بر دادرسی به طور خاص در چارچوب رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است (۱).

در مقاله «اصول دادرسی منصفانه در محاکم اداری و هیأت‌های انتظامی پزشکی» نوشته صادق تاروردی و محمود عباسی، اصول دادرسی منصفانه به طور خاص در محاکم اداری و هیأت‌های انتظامی پزشکی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دادرسی در هیأت‌های انتظامی پزشکی اکثراً با اصول دادرسی منصفانه در محاکم اداری و انتظامی می‌باشد، اما به دلیل ماهیت خاص موضوعات مورد رسیدگی در مواردی نحوه دادرسی متفاوت است که در مقاله به تشریح آن می‌پردازد (۲).

در مقاله «نقش و کارکرد کمیسیون رسیدگی به اختلافات ناشی از اراضی ملی از منظر اصول دادرسی منصفانه» نوشته زین‌العابدین تقوی و حسین پشت‌دار، شناخت نقش و کارکرد کمیسیون ماده واحده به عنوان یک نهاد حقوقی - قضایی، در کنار ملاحظات اقتصادی و فرهنگی کلان‌شهرها که منجر به ساخت و سازهای غیر مجاز حاشیه‌ای در این مناطق گردیده و

## ۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، اصول مربوطه به اخلاق در پژوهش و به ویژه امانتداری در استناد به متون و ارجاعات، رعایت شده است.

## ۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از حیث نوع، تحقیقی نظری است. همچنین از نظر روش، به صورت توصیفی - تحلیلی انجام یافته است. روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات و فیش‌برداری از مطالب آن‌ها صورت گرفته است.

## ۴. یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که اصول دادرسی منصفانه اگر با دقت و شهامت اجرا شود، به تقویت اعتماد عمومی به دادرسی منصفانه و معتمدانه منجر می‌شود. باید اذعان داشت که سلامت و صحت عمل سایر قوای کشوری در گرو سلامت دستگاه قضایی است. اصول اجرای دادرسی منصفانه در رسیدگی‌های مدنی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا شامل اصل برائت، برابری امکانات دفاع (تساوی سلاح‌ها)، اصل استقلال قضات، اصل تناظر، اصل حق دفاع (حق برخورداری از تسهیلات و زمان کافی برای تهیه دفاعیه)، اصل تسلط طرفین بر دعوای مدنی، اصل تسریع در رسیدگی و منع اطاله دادرسی، اصل علنی بودن دادگاه، اصل تناسب، حق داشتن وکیل و دادرسی منصفانه مبتنی بر داشتن زمان، فرصت دفاع و ابراز ادله و سایر حقوق است، اما نکته بسیار مهمی که نباید از نظر دور داشت، این است که در هر دو قلمرو حقوق ایران و دادگاه‌های اتحادیه اروپا اصول دادرسی منصفانه به صراحت دارای ضمانت اجرا نیستند و ضمانت اجرایی که بیان شده است، به دلیل پذیرفته شدن روح اصول دادرسی منصفانه که در قوانین ایران و اتحادیه اروپایی به آن اشاره شده است،

تنفس گاه‌های طبیعی آن‌ها را نابود کرده، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (۳).

در ارتباط با جنبه نوآوری پژوهش حاضر باید عنایت داشت که اغلب تحقیقات صورت گرفته به صورت موردی به مطالعه اصول دادرسی منصفانه در موضوعات خاص دیگری پرداخته‌اند، در حالی که در پژوهش حاضر اصول اخلاقی - حقوقی دادرسی عادلانه به صورت تطبیقی در دو نظام حقوقی ایران و حقوق اتحادیه اروپا مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

همچنین در ارتباط با اهمیت و ضرورت تحقیق باید خاطر نشان کرد که در زمینه اعمال حاکمیت، دادگاه‌ها نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند. در واقع دادگاه‌ها به صورت مستقیم به احقاق حقوق مردم و اجرای عدالت و انصاف در جامعه می‌پردازند. در راستای انجام این وظیفه، محاکم باید اصول دادرسی منصفانه را به نحو احسن اعمال نمایند، زیرا اصول مزبور عامل اصلی برای استقرار حکومت قانون محسوب می‌شوند. مفهوم حکومت قانون یکی از مفاهیم بنیایی و اساسی در عالم حقوق محسوب می‌گردد. به طور کلی مقصود از حکومت قانون این است که کلیه روابط تابعان حقوق و آثار آن باید به موجب مقررات و قوانین خوب تنظیم شوند. مفهوم حکومت قانون دارای پنج عنصر اصلی می‌باشد که عبارتند از: ۱- دسترسی به عدالت و رسیدگی قضایی؛ ۲- جزمیت حقوقی و قابل پیش‌بینی بودن؛ ۳- تناسب؛ ۴- برابری و عدم تبعیض؛ ۵- شفافیت (۴).

همچنین در ارتباط با چارچوب و محدوده این تحقیق باید عنایت داشت که با در نظر گرفتن متغیرهای پژوهش حاضر، بررسی تفصیلی مبانی اصول دادرسی منصفانه در نظام‌های حقوقی ایران و اتحادیه اروپا در دایره موضوعات پژوهش حاضر قرار ندارد؛ علاوه بر این، اصول دادرسی منصفانه در فضای حقوق کیفری نیز وجود دارد و عمده پژوهش‌های صورت گرفته در ادبیات حقوق بین‌الملل نیز متمرکز بر همین فضا می‌باشد که این موضوع نیز از دایره موضوعات پژوهش حاضر خارج است.

می‌باشد و اینطور نیست که ضمانت اجرایی صراحتاً برای دادرسی منصفانه در نظر گرفته شده باشد.

## ۵. بحث

### ۵-۱. اصول دادرسی منصفانه در رسیدگی‌های مدنی در

**حقوق ایران:** لازمه به وجود آمدن دادرسی عدالت‌گرا این است که قواعد دادرسی رعایت شود که این قواعد در هر نظام حقوقی مبتنی بر قوانین و مقررات حاکم است و ناخواسته ذهن مقنن و دادرس را بدون دلیل به طرف خود می‌کشاند و منشأ وضع مواد قانونی و تشکیل قواعد حقوقی و بررسی قضات می‌باشند. در زیر قواعد دادرسی منصفانه و رسیدگی‌ها و دادرسی‌های مدنی را در قلمرو نظام داخلی بیان می‌کنیم:

۵-۱-۱. اصل برائت: اصل برائت یکی از درخشان‌ترین دستاوردهای تمدن بشری است که ریشه در فطرت عدالتخواه بشر و عقل سلیم وی دارد. امروزه این اصل از بنیادی‌ترین اصول حقوقی هر نظام حقوقی قانونمند است، همچنانکه اولین رکن و اساسی‌ترین پایه در قانون آیین دادرسی مدنی به شمار می‌رود. در واقع اصل برائت حاصل تفکر یک یا چند متفکر و حقوقدان نیست، بلکه اندیشه اندیشمندان در قرون متمادی آن را ایجاد کرده است. این اصل حافظ بسیاری از حقوق و آزادی‌های اساسی است. از مطالعات تاریخی چنین برمی‌آید که اصل برائت تا مدت‌ها در حقوق موضوعه جایی نداشته و تنها به طور پراکنده و در پاره‌ای از اتهامات و جرائم، پذیرفته می‌شده است (۵). برائت، اصلی عملی است که مضمون آن بنانهادن بر عدم تحقق جرم است. طبق این اصل، هرگاه ارتکاب جرم در فرد یا افراد متهم، مشکوک و مورد تردید باشد، اصل مقتضی عدم آنست (۶).

اصل برائت و فرض بی‌گناهی متهم، اصل اساسی محاکمه عادلانه است. به عبارت دیگر اصل بر بی‌گناهی هر فرد است، مگر اینکه محکومیت وی مطابق قانون در چارچوب یک دادرسی منصفانه در مرجع صالح اثبات گردد. اصل برائت با

فرض بی‌گناهی متهم همراه و اصل اساسی دادرسی منصفانه است (۷)، اگرچه در حقوق موضوعه «اصل برائت» و «فرض بی‌گناهی» مترادف با یکدیگر به کار می‌رود، ولی اصل برائت فقهی از فرض بی‌گناهی متمایز است. به کارگیری اصل برائت در حقوق ایران برخلاف حقوق غربی، ریشه در فقه اسلام دارد و قلمرو و اعتبار آن نسبت به فرض بی‌گناهی بیشتر است، به نحوی که اصل برائت فقهی به لحاظ جامعیت آن تمام شؤون زندگی بشر از جمله امور حقوقی، اجتماعی، مذهبی و اقتصادی را شامل می‌شود.

اصل برائت با اماره و دلیل نیز متفاوت است. اماره به لحاظ حکایت و کشف از واقع، هرچند به طور ناقص، حجت است، در حالی که در حجیت اصل، کاشفیت آن از واقع لحاظ نشده است. دلیل نیز اعم از قطعی و ظنی است (۸). اصل برائت به طور رسمی نخستین‌بار در سال ۱۷۸۹ در اعلامیه حقوق بشر فرانسه مطرح شد که در ماده ۹ این اعلامیه بیان می‌دارد: «افراد تا زمان محکومیت، بی‌گناه به شمار می‌آیند.» این اصل قبل از دوران جدید تحت عنوان قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» در نظام حقوقی اسلام ریشه داشته است. همچنین اصل مزبور در بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده است. اصل برائت یکی از اصول مسلم اسلامی است. نتیجه این اصل، لزوم ارائه دلیل از سوی مدعی است. این اصل در دادرسی‌ها و قضاوت‌های حضرت علی (ع) نیز مورد توجه قرار گرفته است (۹).

۵-۱-۲. برابری امکانات دفاع (تساوی سلاح‌ها): تساوی سلاح‌ها حکایت از برابری طرفین دعوا در برخورداری از امکانات مساوی جهت دفاع از خود دارد که به موجب آن طرفین باید از حداقل‌هایی حقوقی برخوردار باشند و از فرصت اعتراض برابر به ادله طرف دیگر برخوردار باشند. لازمه اعمال این حق نیز تکلیف دادگاه برای استماع مدعی و ارائه فرصت‌های لازم به وی می‌باشد (۱۰). این اصل به ویژه در جایی که یک طرف آن نماینده قدرت عمومی، یعنی دادستان است، اهمیت

فراوانی دارد و سبب می‌شود عامل قدرت مانعی بر سر راه تحقق عدالت نگردد (۱۱).

در اسلام قاضی باید امکان دفاع برابر را در اختیار طرفین قرار دهد. سکونی از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرمود: «کسی که در مسند خطیر قضاوت بنشیند، باید بین طرفین دعوا در اشاره و نگاه و جایگاه نشستن، تساوی را مراعات نماید» (۱۲).

۵-۱-۳. اصل استقلال قضا: استقلال به معنای مصونیت از نفوذ و کنترل سیاسی و اجرایی است و شامل استقلال دادگاه به لحاظ ساختاری در اعمال صلاحیت و استقلال قاضی در مرحله انتصاب و در مقام انجام وظیفه است. بی‌طرفی نیز به معنای عدم پیش‌داوری و جانبداری از یک طرف دعوا، حزب یا قوم یا یک گروه خاص است. به عبارت دیگر، قضا و دادگاه نفع شخصی در پرونده نداشته باشند و فارغ از هر گونه پیش‌فرض به موضوع رسیدگی کنند (۱۱). حق محاکمه‌شدن به وسیله یک دادگاه خودمختار و غیر وابسته، در عصر حاضر به یکی از حقوق بنیادین بشر تبدیل شده است.

این مسأله در ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و در اکثر قوانین اساسی ملی ثبت شده است، به گونه‌ای که «بی‌تردید یکی از اصول کلی حقوق را تشکیل می‌دهد و یک اصل اساسی حکومت قانون است» (۷). نه تنها دادگاه باید از فشار سایر قوای حکومتی در رسیدگی به پرونده برکنار بماند، بلکه قاضی نیز باید با بی‌طرفی تمام به آن رسیدگی کند (۱۳). یکی از معیارهای اساسی لازم برای منصفانه‌بودن دادرسی آن است که دادگاه رسیدگی‌کننده صالح، مستقل و بی‌طرف باشد. در مبحث دادرسی عادلانه و بررسی شرایط و تضمین‌های آن، استقلال و بی‌طرفی معمولاً در یک فرمول ترکیب و به منزله تضمین واحدی باهم تلفیق می‌شوند. استقلال در لغت به معنای بی‌نیازی و عدم وابستگی به دیگری و در اصطلاح سیاسی به معنای مصونیت از نفوذ و کنترل قدرت خارجی است (۱۲).

به هر حال قاضی رسیدگی‌کننده نباید در برابر هیچ یک از طرفین دعوا، حالت طرفداری داشته باشد. او موظف است به عنوان داور و حاکم و کسی که مسؤول ختم پرونده و فصل دعوا است، بر کرسی قضاوت بنشیند. به همین دلیل، او باید به هر دو طرف اجازه دهد سخنان خود را آزادانه مطرح کنند، او موظف است سخنان ایشان را بشنود و آنگاه بر اساس مدارک قضاوت نماید. مفهوم دیگر بی‌طرفی آن است که رسیدگی به دعوا در یک دادگاه عادی صورت گیرد، بنابراین دادگاه‌های استثنایی (فوق‌العاده- ویژه) ذاتاً غیر عادلانه بوده و برخلاف اصول دموکراسی هستند؛ در این‌گونه دادگاه‌ها معیارهای عینی و شخصی بی‌طرفی محقق نیست (۱۲). در بررسی بی‌طرفی قاضی از دیدگاه ذهنی توجه به ندای درونی وجدان قاضی نیز حائز اهمیت است. در این مورد باید دید که آیا قاضی اندیشه نادرستی در سر دارد؟ آیا تصمیم مغرضانه‌ای خواهد گرفت؟ و یا احتمال دارد که منافع یکی از طرفین دعوا را بر دیگری ترجیح دهد. برای مثال چنانچه قاضی دادگاه نسبت به یکی از طرفین دعوا بنا به دلایلی از قبیل ملاحظات نژادپرستانه یا ملی‌گرایانه تمایل نشان داده و نسبت به طرف دیگر از خود احساسات تنفرآمیز بروز دهد، باید گفت که برخلاف معیار ذهنی بی‌طرفی، رفتار نموده است (۱۴)؛ علاوه بر این‌ها، قاضی رسیدگی‌کننده باید کاملاً مستقل باشد. استقلال قاضی به این معنا می‌باشد که قاضی دادگاه در انجام وظایف قضایی خود، از هرگونه مداخله و اعمال نفوذ و فشار از طرف «قوه مجریه» یا طرفین دعوا یا هر مقام قضایی یا اداری دیگر مصون بوده و به صورت کاملاً آزاد و بدون هرگونه وابستگی مادی و معنوی و صرفاً با در نظر گرفتن وجدان و قانون اتخاذ تصمیم نماید. در متون فقهی ما به تبعیت از روایات، موضوع بی‌طرفی قاضی در سه حوزه مورد بحث است: ۱- بی‌طرفی در صدور حکم: قاضی موظف است با بی‌طرفی کامل و برای برقراری عدالت به صدور حکم بپردازد؛ ۲- بی‌طرفی در رفتار: در این زمینه نیز فقها به دو دسته تقسیم می‌شوند که گروهی معتقد به وجود بی‌طرفی

ارزش نظریات قضایی صادرشده از طرف آن، حاکی از آزادی و خودمختاری قوه قضاییه می‌باشد (۱۵).

۴-۱-۵. اصل تناظر: تناظر در لغت از جمله به معنای «با هم بحث و مجادله کردن» و مقابله نمودن آمده است (۱۶). تناظر به معنای، «دادن فرصت برابر اظهار و دفاع به تمامی اصحاب دعوا» می‌باشد (۱۷). این اصل به این معنا است که باید نسبت به طرفین مخاصمه، امکان رسیدگی عادلانه قضایی فراهم شود و یکی از طرفین در موقعیت برتری نسبت به دیگری قرار نگیرد. به طور واضح‌تر، تناظر عبارت است از اینکه طرفین مخاصمه مدنی، حق دارند از ادعاها و ادله طرف مقابل، آگاه شوند و فرصت کافی برای مقابله با این ادله داشته باشند. تناظر، شباهت‌هایی با برخی از اصول دادرسی مدنی ملی و فراملی نیز دارد. دوطرفه بودن دفاع و امکان اعتراض به دفاع هر یک از طرفین توسط دیگری از عناصر لازمه دادرسی عادلانه است، یعنی خواهان و خوانده باید به حق اطلاع و دفاع طرف دیگر احترام بگذارند. قواعد نگارش دادخواست نشان می‌دهد که خوانده باید از جهات موضوع دعوایی که علیه او مطرح می‌شود آگاه شود و قواعد ابلاغ هم بیانگر این است که زمان و مکان رسیدگی باید به طرفین اطلاع داده شود تا امکان حضور در جلسه و دفاع از خود را داشته باشند (۱۵).

در واقع باید اصل تناظر را از حقوق طبیعی دانست، قاعده‌ای برتر از اراده حکومت که قانونگذار باید آن را محترم شمرده و راهنمایی خویش در وضع قواعد آیین دادرسی مدنی قرار دهد. اصل تناظر دستاورد حقوق طبیعی دادرسی و نقطه شروع حقوق مثبت آیین دادرسی است. با توجه به آنچه بیان شد، دوطرفه بودن دفاع و امکان اعتراض به دفاع هر یک از طرفین، توسط دیگری از عناصر لازم یک دادرسی منصفانه است. در حقوق ایران نیز ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی مدنی، با الهام از اصل تناظر، خواهان را موظف می‌سازد دادخواست و کلیه برگ‌های پیوست آن را به تعداد خواندگان تهیه و جهت ابلاغ به آنان در اختیار دادگاه قرار دهد. نکات مصرح در فصل هفتم

در رفتار ظاهری هستند؛ که از جمله آن‌ها می‌توان به صاحب ریاض اشاره کرد، اما گروه دوم، معتقد به استصحاب بی‌طرفی در رفتار ظاهری هستند که از طرفداران این دیدگاه می‌توان به محقق اردبیلی اشاره نمود؛ ۳- بی‌طرفی در تمایلات قلبی: عموم فقها متذکر شده‌اند مراعات بی‌طرفی از این نظر واجب نیست (۶).

تأمین استقلال قضایی مستلزم رعایت پاره‌ای از اصول و مقررات است. این اصول در هفتمین کنگره سازمان ملل متحد پیرامون پیشگیری از جرم و جنایت و رفتار با مجرمان در سال ۱۹۸۵ به شرح زیر مورد تأکید قرار گرفته است: ۱- حمایت از استقلال قوه قضاییه در قوانین اساسی و عادی؛ ۲- حمایت از اعضای قوه قضاییه در برابر اعمال نفوذهای نا به جا و تهدید و تطمیع؛ ۳- قدرت انحصاری قوه قضاییه در تعیین قلمرو قضایی خود بر طبق قانون؛ ۴- ماهیت لازم‌الاجرا بودن تصمیمات دادگاه‌ها؛ ۵- تضمین امنیت شغلی و قضایی قضات در دوره تصدی.

حق محاکمه شدن توسط یک دادگاه مستقل و بی‌طرف، امروزه به یکی از اساسی‌ترین حقوق آدمیان بدل شده است. این حق، به روشنی «در مقررات بین‌المللی حقوق بشر آمده است و در بسیاری از قوانین اساسی ملی درج گردیده است»، به گونه‌ای که بی‌تردید «یکی از اصول کلی حقوق را تشکیل می‌دهد و یک اصل اساسی حکومت قانون است» (۷).

به هر حال قاضی رسیدگی‌کننده موظف است به عنوان داور و حکم و کسی که مسؤول پرونده و فصل دعوا است، در کرسی قضاوت بنشیند، به همین دلیل، او باید به هر دو طرف اجازه بدهد سخنان خود را آزادانه بیان کنند و موظف است سخنان ایشان را بشنود و آنگاه بر اساس اظهارات و ادله موجود قضاوت نماید. قوه قضاییه نماینده ایجاد عدالت و مرجع دادخواهی و رفع ظلم، به عنوان رکن اساسی در حفاظت و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های افراد یک جامعه به حساب می‌آید. شیوه منصوب کردن دادرسان و بلاعزل و قابل انتقال نبودن آن‌ها و

۵-۱-۷. اصل تسریع در رسیدگی و منع اطاله دادرسی: مدتی که جهت انجام دادرسی سپری می‌شود و از جایی آغاز شده و در جایی به اتمام می‌رسد و مدت زمان آن معلوم نیست به معنای زمان دادرسی می‌باشد. اساس سرعت عدالت که با عنوان «اصل معقول و متعارف بودن زمان دادرسی» هم مشهود می‌شود، یکی از ارکان طرح شده در دادرسی می‌باشد که برای به وجود آمدن هماهنگی بین زمان و دیگر ارکان دادرسی مورد توجه قرار می‌گیرد. با نگرش در نظام‌های دادرسی مدنی یکی از مقاصد دادرسی که انعکاس دادرسی منصفانه می‌باشد، این است که در زمان مشخص شده مناسب و متداول و کوتاه و با کمترین هزینه به عملکرد مطلوب برسیم و بدون در نظر گرفتن نتیجه، شایسته است روند دادرسی با زمان و سرمایه‌ای که مصرف شده، تناسب داشته باشد (۲۰).

در جریان دادرسی توجه کافی به مسائل مهم دیگری معنای «سرعت» را تکمیل می‌کند. از این منظر باید در مشخص کردن وقت دادرسی به مسأله دعوا، مبهم بودن آن، اسناد و مدارک موجود، تشکیلات و ابزارهای مادی و انسانی، طبق تجارب قبلی و بررسی پرونده‌ها و هر آنچه در دستگاه‌های قضایی در حال اتفاق افتادن است، توجه شود. از طرف دیگر، بایستی علل اطاله دادرسی از قبیل دلایل مربوط با تقنین به سبب اشکالات حاضر در قانون فعلی و دگرگونی تصویب قوانین و علل قریب و هم‌مرز با قانون مثل مسائل ابلاغ، مشکلات مربوط به راه‌های دادخواست معمولی و پیچیده، مبتدی بودن عده‌ای از متصدیان امر قضا، کمبودهای اجتماعی و... تقلیل یافته یا ریشه‌کن شود و این مهم از طرق مختلف مثل تصحیح قوانین کنونی، افزودن علم و تخصص نیروی انسانی، بهره‌بردن از اطلاعات پژوهش‌های قضایی، رفع کمبودهای اجتماعی و... حاصل خواهد شد (۲۱).

قسمتی از زمان دادرسی به طی شدن وعده‌هایی که در حقوق ایران به دو گروه قانونی و قضایی دسته‌بندی می‌شوند، می‌گذرد. رعایت اصل سرعت عدالت در مشخص کردن فرصت‌های

همان قانون نیز امکان تأمین و حفظ دلایل برای ارائه در جریان دادرسی و نیز حق طرح هرگونه مطلبی را به وسیله اظهارنامه، خطاب به دیگران فراهم می‌نماید. همچنین نگاهی به آموزه‌های فقهی واگویه این اصل است؛ از جمله این که از پیامبر خدا (ص) نقل شده است که دو طرف نزاع باید در کنار هم و رو به روی قاضی بنشینند. این موضوع بیانگر اهمیت وجود امکان دفاع برابر برای طرفین اختلاف از دیدگاه اسلام است (۱۲).

۵-۱-۵. اصل حق دفاع (حق برخورداری از تسهیلات و زمان کافی برای تهیه دفاعیه): آنچه در محاکمه عادلانه اساسی و ضروری به نظر می‌رسد این است که تمامی متهمان، به منظور تضمین هدفمند بودن حق دفاع باید حق برخورداری از تسهیلات و زمان کافی برای دفاع را داشته باشند و این حق جنبه مهم و اصل اساسی مربوط به «تساوی ابزار و امکانات» است. دسترسی متهم به دلایل و مدارک وکیل خود و محدودیت‌های زمانی و قانونی، همچنین حق محاکمه شدن در زمان معقول باید با حق برخورداری از زمان کافی جهت تهیه دفاعیه توازن داشته باشد. در فقه اسلامی، صاحب جواهر در این مسأله بیان می‌دارد که: «اگر طرف دعوی هنگام ادای شهادت حاضر نبوده است، همه فقها معتقد هستند که باید شهادت، اطلاع‌رسانی شود و اگر وی در مجلس حضور دارد، نمی‌توان بدون اطلاع از محتوای بینه قضاوت نمود» (۱۸).

۵-۱-۶. اصل تسلط طرفین بر دعوای مدنی: تسلط در اصطلاح فقهی عبارت است از اختیار مالک برای هرگونه تصرف در اموال خویش (۱۹). مسلط بودن طرفین بر دعوی به معنی امکان استفاده از تمام ابزارهای دفاع از حق خود و برخورداری از حقوق مشروع برای پایداری امکان احقاق حق است. این اصل دارای یک جنبه دیگر نیز می‌باشد و آن اینکه، تمام روند رسیدگی به دعوا در کنترل و اختیار طرفین قرار دارد. به بیان ساده‌تر، اصل احترام به اراده نه‌تنها در فضای حقوق ماهوی، بلکه در فضای حقوق شکلی نیز باید اعمال شود (۱۵).

قضایی کارایی دارد، و موجب می‌شود که قاضی با عنایت به وضعیت و علل گوناگون، فرصتی قابل قبول و مرسوم را مشخص کند تا زمان دادرسی به درازا نکشد (۲۱).

علت معمول دیگری که باعث به درازا کشیدن جریان دادرسی می‌شود، ابلاغی است که به طور صحیح و درست اجرا نشده است. در بعضی مواقع طرفین دعوا کارهایی انجام می‌دهند تا ابلاغ به صورت درست و حقیقی انجام نشود تا از این طریق در مدت زمان ابلاغ قانونی برای طولانی شدن دادرسی استفاده کنند و هم اینکه بعد از صدور حکم به صورت غیابی اقدام به طرح اعتراض یا واخواهی کرده و اسباب و دلایلی جهت انجام مجدد دادرسی را مهیا کنند. به همین ترتیب طرفین دعوا آدرس صحیح و دقیقی را ارائه نمی‌دهند تا ابلاغ به درستی انجام نشود و با مشکل رو به رو شود. برای پیشگیری از این مشکل در عوض ابلاغ کتبی می‌توان از راه‌های دیگر ابلاغ مانند ابلاغ تلفنی و اینترنتی و سایر ابلاغ‌ها به عنوان ابلاغ قانونی آرا و اهداف قضایی بسنده کرد. البته باید اذعان داشت که بعضی اوقات عده‌ای، به علت عدم آگاهی لازم از قوانین و قواعد حقوقی باعث اطاله دادرسی می‌شوند.

در واقع بسیاری دعاوی که در دادگستری‌ها مطرح می‌شود، ریشه در ناآگاهی مردم نسبت به قوانین و اصول کلی دارد. این در حالی است که مردم در هنگام انجام اعمال حقوقی از مراجعه به وکیل یا مشاور حقوقی همچنان خودداری می‌کنند، این امر باعث می‌شود تا در آینده به جهت بروز مشکلات و مسائل مختلف، دعاوی گوناگون در دادگستری‌ها مطرح شود، در حالی که داشتن حداقل اطلاعات حقوقی و یا مراجعه به یک وکیل یا مشاور حقوقی می‌تواند در این باره بسیار راهگشا باشد. مراجعات بیهوده و مکرر ارباب رجوع به دادگاه و توقعات بی‌جا و غیر قانونی از دادگاه و سوءظن نسبت به تصمیم دادگاه و به دنبال آن اطاله دادرسی از نتایج این ناآگاهی می‌باشند (۲۰).

۵-۱-۸. اصل علنی بودن دادگاه: علنی بودن دادرسی به معنای گشودن دادگاه و فرآیند قضاوتی بر روی مردم است. دادگاه‌ها

باید به طور علنی به اتهام وارد به متهم رسیدگی کنند. به موجب این خصوصیت، حضور و نظارت افراد در جریان برگزاری محاکمه آزاد است و رسانه‌های گروهی می‌توانند ضمن حضور در محاکمات و تهیه گزارش و خبر برای روشن شدن افکار عمومی مبادرت ورزند (۲۲). تشخیص ضرورت غیر علنی بودن جلسات رسیدگی بر عهده دادگاه است. در حقوق داخلی اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی، اصل علنی بودن محاکمات و استثنائات آن را مورد توجه قرار داده است. در نظام بین‌المللی نیز بند ۱ ماده ۱۴ میثاق و بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر این اصل را مورد توجه قرار داده است. بنابراین حق بر دادرسی علنی یکی از حقوق اساسی دادرسی است که به عنوان یک موضوع بین‌المللی جهت حمایت از حقوق بشر مطرح شده است.

این حق در چارچوب مفهوم دادرسی منصفانه قرار دارد، زیرا این اصل، عدالت و استقلال دادرسی را موجب شده و شمار زیادی از اصول دادرسی منصفانه در پرتو استقرار این اصل بسیار مهم تضمین می‌گردد. توضیح اینکه، یکی از مهم‌ترین تضمینات نظام مردمی، شفافیت عملکرد دولت و امکان تحقق نظارت مردم در امور عمومی است. بر این اساس، به منظور صدور آرای قانونی و شفاف و احقاق حق شهروندان، نظام دادرسی باید به صورت علنی و تحت نظارت مردم و حاکمیت ملت برگزار شود. ماهیت علنی دادرسی به تضمین محاکمه‌ای منصفانه، از طریق حمایت از طرفین دعوا، علیه تصمیمات خودسرانه کمک می‌کند و جامعه را قادر می‌سازد تا اجرای عدالت را کنترل نماید، لذا نظام دادرسی علنی مفهومی هسته‌ای و حیاتی است که برای تحقق دادرسی عادلانه ترتیب داده شده است (۱۰).

در نتیجه با نگرش به فواید فردی (برای دو طرف دعوا) و فواید عامه به خاطر آگاهی مردم از فعل دادرسی و این عمل که به صورت آشکار انجام می‌شود، بیانگر اجرای عدالت، مراعات کردن حق دیگران به شکل عام و احترام به ضمانت‌ها در مورد

به این معنا که مجوز فعل استثنایی تا آنجا که لازم بودن آن وجود داشته باشد، برقرار است و این همان جلوه تناسب است. زمینه فقهی این موضوع با نگرش حقوقی، اگرچه دارای یک مبنا نیستند ولی لاقلاً با هم، همسو و دارای یک جهت هستند که بر طبق آن، اساس بر نبود ولایت می‌باشد. به تعبیر دیگر چنین است که تصمیم و خواست کسی بر دیگری ارجحیت ندارد (۲۳). در نتیجه خارج شدن از این قاعده، فعلی استثنایی می‌باشد که به جز در مواقع ضروری استثنا روا نیست و روشن است که در استثنا بایستی به اندازه یقین و در انجام این کار به صراحت استثنا اکتفا کرد و تا جایی که لازم است، جلوتر نرفت (۲۴).

از دیگر جلوه‌های اصل تناسب، مسأله هزینه‌ها است. معمولاً نحوه مشخص کردن هزینه در نظام قانونگذاری ایران، در بعضی اوقات باعث عدم تناسب و تعادل بین عامل‌های تأثیرگذار و مورد بحث در دادرسی و هزینه می‌شود و خلاف اصل «دادرسی با هزینه معقول» که نمادی از اصل تناسب است می‌باشد؛ در نتیجه به این شیوه‌ها نقدهایی وارد می‌شود که مقنن مبلغ یا درصد مشخصی را معین می‌کند و به موقعیت طرفین دعوا از حیث هویت، مهم بودن، فرآیند دادرسی، نحوه ابلاغ، موقعیت طرفین دعوا، فقدان شایستگی حقیقی محکوم‌له، خطاهای قضایی و علت‌ها و افکاری مانند آن بی‌توجه بوده است. در صورتی که تشکیلات و ابزارهای انسانی او توجه به زمان مخصوص خود را می‌خواهد. از طرفی دیگر از دیدگاه هزینه‌های طرح دعوی غیر مالی وفق بخشنامه مربوطه قوه قضاییه تصویب شده در سال ۱۳۸۹ و تحولات آن در سال ۱۳۹۳ علیرغم کم‌نشدن ورودی پرونده‌ها در سال ۱۳۹۰، احتمال دارد این شک و تردید را به وجود بیاورد که نظام دادگستری این هزینه‌ها را محلی برای به دست آوردن درآمد می‌داند؛ اما درباره پرداختن هزینه براساس تعرفه‌ای مخصوص مثل هزینه حق وکالت، تعرفه هزینه کارشناس و موضوعاتی

دادرسی عادلانه به شکل ویژه می‌باشد، می‌توان ضمانت آشکار بودن دادرسی را از عنصرهای اساسی عدالت و محکمه و حق بر دادرسی عادلانه به حساب آورد. آثار و فواید مهمی که هر کدام از آن‌ها در جهت تحقق یک نظام دادگستری مطلوب و شایسته، لازم و ضروری به نظر می‌رسد. در اسلام نیز ضرورت رسیدگی علنی مشهود است و سیره قضاوت امامان معصوم به طور خاص حضرت علی (ع) مؤید چنین امری است. قضاوت‌های ایشان در مسجد انجام می‌گرفت. همچنین ایشان زمانی که شنیدند، قاضی شریح در خانه قضاوت می‌نماید به وی دستور دادند که: ای شریح، برای قضاوت کردن، در مسجد بنشین این امر میان مردم عادلانه‌تر است. این روایت حاکی از آن است که امامان معصوم نیز بر ضرورت رسیدگی حضوری و علنی محاکمات تأکید داشته‌اند و به برگزاری جلسات علنی سفارش می‌نمودند (۹).

۵-۱-۹. اصل تناسب: قانونگذار در سال ۱۳۱۸ که قانون به وجود آمدن دادگاه‌های انقلاب تصویب شد، به اصل تناسب به شکل بارز و البته بی‌توجه به مسائل و ابعاد گوناگون آن پرداخته است. چگونگی اصل تناسب در مسائل گوناگون نظام دادرسی مدنی در عصر معاصر ایران، در این قسمت از تحقیق به شکل اختصار بررسی می‌شود. در این زمینه باید اذعان داشت که گرچه از لحاظ مبانی عقاید سیاسی گوناگون، میزان قدرت و دخالت حاکمیتی دولت (مخصوصاً دادگاه‌ها) می‌تواند متنوع و گوناگون باشد، اما یک نقطه اشتراک دارند و یا لاقلاً نمی‌توانند از آن سرپیچی کنند که دخالت دولت در مسائل حقوقی، اقتصادی و... باید در جهت دادرسی عادلانه طبق اسناد گوناگون باشد. این قاعده هدفمند است و به هر شکلی، این دخالت بایستی با تحقق یافتن این هدف، «متناسب» باشد. در حقیقت موضوع تناسب حاصل منطقی اصل ضرورت می‌باشد، زیرا مفهوم اصل ضرورت در حیطه حقوق عمومی این است که اعمال قدرت عمومی، عملی ویژه و برخلاف قاعده است و مجاز نمی‌باشد، مگر فقط در مواقعی که ضرورت دارد؛

مانند این موارد، مقنن کم و زیاد و یا حذف این مبالغ را از اختیارات قاضی قرار نداده است (۲۱).

مسئله دیگر راجع به نهادهای تأمین و موقتی و تناسب آن‌ها در جریان دادرسی است. قانونگذار نهادهای تأمین و موقتی متعددی را برای حفظ حقوق اصحاب دعوا وضع نموده است و شرایط هر یک از نهادها را به طور کلی بیان نموده است. در واقع قانونگذار از هیچ یک از تدابیر امنیتی و موقتی تعریفی به دست نداده است، بلکه شرایط و احکام و آثار هر یک را به طور پراکنده در قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین مرتبط بیان نموده که با جمع آن‌ها شاید بتوان تعریفی از تدابیر تأمین و موقتی ارائه داد. «تأمین دلیل» به معنای حفظ کردن دلیل و «تأمین محکوم‌به» به مفهوم در امنیت قراردادن محکوم‌به می‌باشد (۲۵).

اصل تناسب در ضمانت اجراهای دادرسی نیز حاکم است. هدف از ضمانت اجرا عکس‌العمل‌هایی می‌باشد که مقنن جهت ضمانت و پشتیبانی از وظایفی که از طرف قانون یا دستگاه قضایی بر ذمه طرفین یا وکلای آن‌ها و اشخاص ثالث دیگری مثل (شاهدان، کارشناسان و...) که افراد یا مقامات درگیر در فرآیند دادرسی هستند، قرار می‌گیرد، در نتیجه سازوکارهایی مانند قرار عدم صلاحیت، قرار رد دادرسی و... برای تضمین پایبندی قاضی یا مقام رسیدگی‌کننده به اختلاف، طراحی نموده است. باید دقت داشت که در صورت تخلف قاضی یا مرجع رسیدگی‌کننده از مقررات راجع به صلاحیت، ضمانت اجرای بطلان برای تصمیم قاضی در نظر گرفته خواهد شد و ضمانت اجراهای مربوط به تخلفات مدیران دفاتر و مأمورین ابلاغ، مد نظر نمی‌باشد (۲۱).

در اصول و قواعد فراملی، به موضوع تناسب در ضمانت اجراها به طور مستقیم اشاره شده است، چنانکه اصل ۲-۱۷ بیان می‌دارد: «ضمانت اجرا باید متعارف و با شدت و ضعف تخلف و زیان ناشی از آن تناسب داشته باشد. همچنین ضمانت اجرا باید با میزان نقش متخلف و میزان عمدی بودن آن متناسب

باشد.» مقررات آیین دادرسی مدنی ایران به طور صریح از اعمال تناسب در ضمانت اجرا سخن گفته است، اما در مصادیق مختلف، توجه قانونگذار به گونه‌ای محسوس به این امر معطوف است که در صورتی که احتمال رود عذر موجه است نیازی به اجرای ضمانت اجرا در خصوص عدم رعایت تکلیف قانونی در موعد مقرر نیست و همچنین با اتمام به این امر بین شرایطی که شخص متخلف در آن قرار گرفته و ضمانت اجرای مربوط به آن تعادلی را برقرار نموده است یا در خصوص قرار رد دعوا در مورد ایرادات قرار رد دعوا نظر به اینکه ایرادات باعث مانع موقتی می‌شوند، طرح کردن دوباره دعوا امکان‌پذیر است که در این صورت تناسبی میان قرار با ماهیت تخلف ایجاد شده است. همچنین در خصوص ضمانت اجراهای مربوط به وکلا، وکیل شناخته‌شدن مادامی که اطلاع استعفا به دادگاه و موکل انجام نشده، بیانگر توجه قانونگذار به رعایت تناسب بین اثرات تخلف وکیل در حقوق موکل و ضمانت اجرای مقرر است (۲۱).

۵-۱-۱۰. حق داشتن وکیل: یکی از اصولی که امروزه با توجه به اهمیت منصفانه‌بودن دادرسی و در جهت حمایت از حقوق و منافع افراد در دادرسی مدنی کانون توجه ویژه قرار گرفته، اصل رعایت حقوق دفاعی افراد در برابر تصمیمات دادگاه است. تا پیش از شناسایی این حقوق در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی کشورها و با تکیه بر تفکیک رسیدگی‌های قضایی و رسیدگی‌های اداری و به ویژه شبه‌قضایی، مسئله رعایت تضمینات رسیدگی قضایی در رسیدگی به دعوی مدنی به نحو جدی مطرح نبوده و حتی در دهه‌های ابتدایی شناسایی این دسته از حقوق، با مقاومت حقوق داخلی کشورها رو به رو بوده است؛ مقاومتی که امروزه دیگر موضوعیت ندارد (۲۶).

در نظام حقوقی ایران، ضرورت رعایت حقوق دفاعی متهم در دادرسی‌های کیفری و مدنی در نظر گرفته شده است و طبق آن افراد می‌توانند طی این دادرسی‌ها از حقوق خود دفاع نمایند، اما با توجه به منشأ و مبانی رعایت اصل حقوق دفاعی،

اصول دادرسی منصفانه در رسیدگی‌های مدنی در حقوق اتحادیه اروپا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۲-۱. اصل استقلال قضات: استقلال، که در اینجا معادل واژه «Independence» به کار می‌رود، در لغت به معنای بی‌نیازی و عدم وابستگی به دیگری و در اصطلاح سیاسی به معنای مصونیت از نفوذ و کنترل قدرت خارجی است. در واقع موضوع استقلال قضایی از موضوعات اساسی حقوق عمومی می‌باشد، چراکه اعتقاد عمومی به حکومت، تحقق حکومت قانون و دادرسی عادلانه در هر جامعه‌ای تا حد زیادی به اندازه استقلال قضایی بستگی دارد. تثبیت شدن اراده مردمی و حکومت دموکراسی (مردم‌سالاری) به برقراری و ترویج فرهنگ حاکمیت قانون و قانونمندی بودن روابط و پیوندها به تمامیت معنا وابستگی دارد و از جانبی دیگر، برای اثبات جریان فرهنگ قانون‌محوری، استقلال قضایی از فرضیات با اهمیت این فعل محسوب می‌شود. به بیان دیگر حاکمیت دموکراسی با موضوع استقلال قضایی و قدرت دستگاه قضایی در ممانعت از استفاده نادرست از نفس قدرت و نقض حقوق و آزادی‌های اساسی مردم، ارتباط مستحکمی دارد (۲۹). بی‌طرفی قاضی، استقلال قضایی و اعتماد عمومی به قوه قضاییه از ارکان یک جامعه مردم‌سالار در کل جهان می‌باشد؛ در مقابل، کاهش اعتماد عمومی به استقلال قوه قضاییه بیانگر ضعف ساختار دموکراتیک جامعه و در معرض خطر بودن حقوق و آزادی‌های شهروندان است. همچنین این اصل در احکام اسلامی و اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی کشورهای مختلف، از جمله دادگاه‌های کشورهای اروپایی نیز پذیرفته شده است. بدین ترتیب می‌توان گفت استقلال قضایی در عصر کنونی، به اصلی ثابت و غیر قابل انکار مبدل گشته است. در واقع اقتضای ایجاد جامعه بشری پیش‌بینی نهاد قضاوت بی‌طرفانه برای حل و فصل دعاوی و خصومت بین افراد است.

بی‌طرفی منوط به برخورداری قاضی از استقلال کافی است. به همین دلیل به رغم فقدان حمایت قانونی از استقلال قضایی

بدیهی است رعایت این اصل در تمامی مراجع قضایی اعم از کیفری و مدنی و اداری کاملاً ضروری می‌باشد و منطقی نیست که افراد را از این حق طبیعی محروم نمود. باید توجه داشت که پیدایش وکالت به منظور دفاع از حقوق صاحبان حق و جلوگیری از تضییع و پایمال شدن حقوق اشخاص ذی‌نفع بوده است (۲۷). رعایت کامل حق برخورداری از وکیل اقتضا می‌کند که وکیل نیز در سیر پرونده امکان دسترسی به مدارک را داشته باشد، در غیر این صورت منطق این حق به کلی منتفی خواهد گردید. به طور کلی، حق داشتن وکیل در رسیدگی‌های نوین با مسأله وکالت در نظام‌های سنتی این تفاوت اصلی را دارد که وکالت به اقتضای ماهیت خود به گونه‌ای در پیوند با دستگاه قضایی قرار می‌گیرد. بنابراین در مواردی که خود فرد به دلیل محدودیت‌های مختلف قضایی و امنیتی نمی‌تواند در جریان کلیه مدارک پرونده قرار گیرد، نهادی واسطه مانند نهاد وکالت می‌تواند در این زمینه فرد را یاری کند. حق انتخاب وکیل در امور حقوقی و مدنی، حق هر شخصی است. به همین خاطر، در ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی، حق اشخاص در انتخاب و معرفی حداکثر دو نفر وکیل پیش‌بینی گردیده است.

بنابراین تعداد وکیل در پرونده‌های حقوقی، حداکثر دو نفر است، اما گاهی ممکن است که اشخاص استطاعت و توانایی مالی برای گرفتن وکیل را نداشته باشند. در این خصوص، قانونگذار به کسانی که قدرت تأدیه و پرداخت حق‌الوکاله را ندارند، حق داده است تا از کانون وکلا تقاضای معاضدت و کمک نمایند. بنابراین در این شرایط کانون وکلا مکلف است که به این شخص وکیل معاضدتی معرفی نماید. وکلای دادگستری نیز موظف شده‌اند تا هر سال در سه پرونده حقوقی به عنوان معاضدت، قبول وکالت کنند (۲۸).

**۵-۲. اصول دادرسی منصفانه در رسیدگی‌های مدنی در حقوق اتحادیه اروپا:** در این قسمت متناظر با مباحث قبل،

ندارد. Larkins، استقلال قضایی را به معنای رفع اختلاف، توسط شخص ثالث که ذی‌نفع نیست، می‌داند. به بیان دیگر، رفع اختلاف و مشکل توسط شخصی مورد توجه است که این توان را دارد، که برای برطرف کردن اختلاف، حقایق موجود و رابطه آن با مقررات مربوطه را به خوبی در نظر بگیرد (۲۹). یکی از پژوهشگران، استقلال قضایی را در تعریف عام، عدم مجوز دخالت دیگران در حیطه قضایی و در تعریف خاص، آزادی قضات در صادر کردن حکم‌ها می‌داند، ولی اصولاً اکثر علمای حقوقی ملل مختلف مانند کشورهای اروپایی، استقلال قضایی را استقلال قضات از حکومت و هر نوع دخالت و واکنش مقام‌های دیگر در وظیفه و اختیارات آن‌ها می‌دانند، ولی مع‌الوصف درستی این استقلال در عمل به معنای کلمه ممکن نمی‌باشد، برای اینکه قضات در دستگاه‌های قضایی قضاوت می‌کنند که خود توسط حکومت بنا شده است و خودشان هم از این طریق حقوق کسب می‌کنند، در نتیجه استقلال قطعی نه شدنی و نه به شکل ویژه مقبول و مطبوع است. مقصود از استقلال قضایی این است که دیگران در تصمیم قوه قضاییه دخالت نکنند و هنگام صادر کردن حکم و قرار قضایی هیچ‌گونه فشاری وارد نکرده و مطیع حکم صادره باشند (۳۱).

۵-۲-۲. اصل برائت: به دلیل اینکه این اصل یکی از مهم‌ترین اصول دادرسی منصفانه است می‌توان آن را در تمام اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای مشاهده کرد، به گونه‌ای که در قوانین اساسی کشورها هم این اصل گنجانده شده است. بند دو ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر این موضوع را بیان کرده است؛ بند ۲ ماده ۶ چنین اشعار می‌دارد: «هر کس که به جرم کیفری متهم می‌شود تا زمانی که مجرم‌بودن او طبق قانون به اثبات نرسیده است، باید بی‌گناه فرض شود.» برای اصل برائت می‌توان دو مفهوم موسع و مضیق در رویه قضایی دادگاه‌های اروپایی در نظر گرفت. در مفهوم مضیق، اصل برائت متضمن این معنا است که بار اثبات جرم بر عهده دادستان

در جوامع ابتدایی، التزام عملی به آن به عنوان نیاز واقعی آن جوامع نیز مورد توجه بوده است. متون تاریخی بیانگر این واقعیت هستند که استقلال قضایی، در عصر باستان نیز شناخته شده بود. نکته‌ای که ذکر آن لازم به نظر می‌رسد، آن است که یک اصل مهم استقلال قضایی، استقلال شخص دادرسی می‌باشد. استقلال شخصی به معنی این است که دادرسی این اختیار را داشته باشد که از هرگونه فشار خارجی رهایی یابد. استقلال قاضی باید در مقابل اقوام، دوستان، اصحاب دعوا، افراد توانا، اندیشه‌های عامه، همکاران و افرادی که ریاست نظام قضایی را به عهده دارند، حفظ گردد و تنها مبدأ و منشأ ملزم‌بودن قاضی، قانون باشد. زمانی استقلال قاضی به خطر می‌افتد که فشارهای خارجی او را مجبور کنند، از قوانین و مقررات چشم‌پوشی کرده و به اعمال خارج از قانون دست زده و آزادی اراده او به محدودیت و کمبود مبدل شود. هر چند این تهدید و خطر احتمال دارد منتهی به نتیجه مطلوب دخالت کنندگان در استقلال قاضی نگردد، ولی باید از این تهدید جلوگیری کرد تا دلواپسی به وجودآمده از احساس عدالت در خصوص دست‌یافتن به نتیجه در فرایند یک دادرسی منصفانه، فروکش کند. در نتیجه استقلال قضایی به این صورت معنا می‌شود که قاضی در مقام دادرسی نسبت به مسأله بیان شده با آزادی کامل و بر اساس حقایق و بر مبنای مقررات و قوانین حقوقی و بدون هر نوع فشار و یا نیروی نادرست از طرف هر کدام از قسمت‌های حاکمیت یا از هر ناحیه دیگر، بررسی و اتخاذ تصمیم نماید (۳۰).

با این حال در قوانین داخلی و مدارک بین‌المللی توضیحی درباره این اصل داده نشده است. در حقیقت در زمان کنونی، توصیف مشابهی از استقلال قضایی در کتب قانون اساسی نیست، قانون اساسی با اینکه در مورد استقلال قضایی توضیحی نداده است، اما برای تکریم و احترام به اصل استقلال قضایی سفارش و تأکید کرده است. در میان کارشناسان هم درباره شرح و تعریف استقلال قضایی نظر مشترکی وجود

به سبب انتزاعی بودن تعریف بی طرفی که نشأت گرفته از اخلاقی بودن آن است، مفهوم پردازی این اصطلاح تا حدودی با مشکل و چالش مواجه است. به هر صورت، دو اصل استقلال و بی طرفی در اسناد مهم بین المللی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، اسناد خاص عدالتگری مانند اصول بنگلور و اسناد منطقه‌ای مانند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و منشور آفریقایی حقوق بشر و اقوام و در نظام حقوقی کشورهای مختلف، از جمله کشورهای اروپایی و دادگاه‌های مربوطه به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است (۳۷).

استقلال و بی طرفی دو مفهوم متفاوت هستند؛ این اصطلاحات هرچند جایگزین یکدیگر نیستند، اما گاه به جای یکدیگر به کار برده می‌شوند و تا حدود زیادی با یکدیگر هم‌پوشانی دارند، مقام قضایی هنگامی بی طرف است که به طور جهت‌دار به نفع یا به ضرر یکی از طرف‌ها و پرونده او عمل نکند؛ مقام قضایی مستقل نیز کسی است که هیچ رابطه نزدیک و وابستگی مالی، حرفه‌ای یا شخصی به یکی از طرف‌های دعوا یا نماینده او نداشته باشد (۳۷).

همچنین استقلال در دادرسی‌های بین المللی به معنای عدم تابعیت و عدم تأثیرپذیری دادگاه در دادرسی از فشارها و عوامل خارجی از جمله دولت‌ها، سازمان‌های بین المللی و افراد قدرتمند است. این مفهوم در نظام داخلی از نظریه تفکیک مونتسکیو ناشی می‌شود و حاکی از عدم اعمال نفوذ قوه مجریه بر قوه قضاییه است، اما بی طرفی به معنای عدم جانبداری و پیش‌داوری به نفع یکی از طرفین دادرسی است و اصولاً استقلال یکی از عوامل تأمین‌کننده بی طرفی می‌باشد. به عبارت دیگر، بی طرفی مفهومی عام‌تری از استقلال دارد و استقلال یکی از لوازم اعمال بی طرفی است، البته این بدان معنا نیست، که دادگاهی که مستقل است، لزوماً بی طرف هم هست و استقلال اگرچه لازم است، اما برای اعمال بی طرفی کافی نیست (۳۸).

این وظیفه دادستان است که اثبات کند متهم، مجرم است (۳۲). در معنای موسع، اصل برائت بدین معناست که هرگونه شک و تردید، به نفع متهم تفسیر می‌شود. با مطالعه و بررسی محاکمات کیفری بین المللی نیز این نتیجه حاصل می‌شود که اکثر این محاکم، معنای موسع را مد نظر داشته‌اند و خواسته‌اند تا بدین صورت حد بالای استانداردهای تعیین شده جهت تأمین و تضمین حقوق متهم را مراعات نمایند. دلیل در نظرگرفتن فرض بی‌گناهی برای متهم، بدیهی بودن آن در مورد غیر متهمان دانسته شده است (۳۳). با توجه به رجحان دادگاه‌های کیفری و آرای آن نسبت به دادگاه‌های مدنی و رسیدگی‌های آن، این اصل باید در رسیدگی‌های مدنی نیز نسبت به خوانده مورد توجه قرار گیرد (۳۲).

۳-۲-۵. اصل بی طرفی مقام قضایی و برابری طرفین: همانطور که اشاره شد، یکی از حقوق اساسی ضامن امنیت و تضمین حقوق شهروندان، حق بر دادرسی منصفانه است که به عنوان یکی از حقوق شناخته شده و بنیادین بشر، مورد توجه و تأکید اسناد جهانی و کنوانسیون‌های حقوق بشری بوده است و تحقق چنین حقی در رسیدگی دادگاه، مستلزم رعایت اصول دادرسی (از جمله اصول استقلال و بی طرفی) است (۳۴). اصول استقلال قضایی و بی طرفی، از جمله مهم‌ترین اصول دادرسی منصفانه برای تحقق عدالت هستند، ولی نایستی بی طرفی را با بی‌قیدی و تنبلی در حمایت از حق اشتباه گرفت. یکی از بااهمیت‌ترین دستاوردهای بی طرفی این است که اقتناع وجدانی دادرس و قاضی به خاطر مستندات است که در دعوی مطروحه در مقام بررسی مسأله، به دست آمده است (۳۵).

احقاق حق و بهره‌مندی از عدالت به قضات منصف، لایق، با تخصص و بی طرف در جریان دادرسی وابسته است، لذا بی طرفی چنین تعبیر شده است که مرجع رسیدگی‌کننده، در امر رسیدگی قضاوت شتاب نکرده و نگذارد فرآیند رسیدگی برای مصالح خود یا شخص دیگری سودمند و مؤثر باشد (۳۶).

در نظام حقوق بین‌الملل، بند اول ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با عبارتی مشابه به اعلامیه جهانی حقوق بشر، به شناسایی حق مزبور و ضرورت بی‌طرفی مرجع قضایی پرداخته است. همچنین جوانب دیگر از بی‌طرفی نهاد قضایی به روشنی و به طور ضمنی از دیگر مواد میثاق همچون بند ۳ ماده ۱۴، ماده ۲ ماده ۲۶ و دیگر مواد مانند بند ۳ ماده ۹ قابل بازخوانی است. در سطح منطقه‌ای نیز کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، در بند ۱ ماده ۶ و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در بند نخست ماده ۸ با عبارتی تقریباً یکسان به تضمین حق مزبور پرداخته‌اند.

۴-۲-۵. تساوی سلاح‌ها: در گذشته، قضاوت‌های مبتنی بر اوردالی و دوئل بر پایه مقررات دقیقی استوار شده بود تا برابری کامل بین طرفین دعوی تضمین شود. امروز نیز، اصل برابری سلاح‌ها که از مقدمات یک دادرسی عادلانه به شمار می‌رود، مورد توجه قانونگذاران کشورهای مختلف و همچنین دادگاه‌ها از جمله در اروپا، قرار گرفته است. در واقع، این اصل در هیچ یک از اسناد بین‌المللی حقوق بشر، به صراحت پیش‌بینی نشده است و به همین جهت یک اصل نوشتاری (کتبی) به شمار نمی‌رود (۳۹).

اصل برابری سلاح‌ها یکی از اصول مهم دادرسی عادلانه است. این اصل را نخستین بار کمیسیون اروپایی حقوق بشر به کار گرفت و به این معنا است که هر یک از طرفین دعوا باید بتواند ادعای خود را در شرایطی مطرح سازد که او را نسبت به طرف مقابل خود به گونه‌ای اساسی در وضعیت مناسب‌تری قرار ندهد. در حقوق کشور فرانسه، اگرچه این اصل از سال‌ها پیش مورد توجه قانونگذار فرانسه قرار گرفته، نخستین بار به طور نسبتاً صریح در ماده مقدماتی قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه به عنوان یکی از اصول راهبردی آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شد (۳۹).

در حقیقت ادله حقوقی وقتی اعتبار دارد که زمان طرح شدنشان اصحاب دعوا همگی حاضر باشند و همچنین این

امکان برای آن‌ها فراهم باشد که بتوانند زمانی برای پاسخگویی داشته باشند. این موضوع که از کتاب جنگ پلوپوتز اخذ شده، به درستی مبین اصل برابری سلاح‌ها می‌باشد. تعریف برابری سلاح‌ها در حقیقت به این شرح است که اصحاب دعوا بایستی خواست و مطالبه خود را طوری طرح و بیان کنند که طرف مقابل را در شرایط سختی قرار ندهند. این اصل همانطور که دادرسان کمیسیون اروپایی حقوق بشر شرح داده‌اند، بودن یک ارتباط میان احتیاج و نیاز به عدالت و تنفر و بیزاری از ناعدالتی و ظلم را در جریان قضایی تعیین می‌کند. اصل برابری سلاح‌ها که از ارکان اصلی دادرسی عادلانه محسوب می‌شود، اکنون جایگاه مخصوصی را در حقوق کشورهای گوناگون مانند فرانسه، کانادا، آلمان، ایتالیا و دستگاه‌های قضایی اتحادیه اروپا مختص خود کرده است. در حقیقت پذیرفتن این اصل در ملل گوناگون تأثیر گرفته از «الگوی جهانی دادرسی عادلانه» می‌باشد. این الگوی جهانی که بر اساس مدارک بین‌المللی به خصوص میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در حال پیدایش و خلقت است، توافقی نمودن دادرسی به ویژه در فرآیند رسیدگی و پژوهش‌های اولیه و امتیاز یکسان‌دادن به اصحاب دعوا و بنابراین تمایل به طرف نظام اتهامی، را پذیرفته است. به همین ترتیب، دیوان استراسبورگ در پرونده دوموبهر، طبق بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به این موضوع پافشاری می‌کند که «اصل برابری سلاح‌ها» متضمن آن می‌باشد که به طرفین دعوا فرصت مناسب و معقول بدهد برای مطرح کردن درخواست خود، در صورتی که هر طرف را در ارتباط با طرف مقابل در شرایط سخت قرار ندهد. این قاعده کلی از اصل برابری سلاح‌ها در نظریات بی‌شمار دیگر دیوان هم به تأیید و تصدیق دادرسان استراسبورگ رسیده است (۳۹).

۴-۲-۵. اصل تناظر: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دادرسی منصفانه، تضمین حق برابری در مقابل دادگاه است. در این

راستا، باید پذیرفت که هر یک از طرفین دعوا حق دارد از ادله و ادعاهای طرف مقابل مطلع شود، تا درباره آن مناقشه کند و همچنین ادله خود را مطرح سازد. به طور کلی، در حقوق کشورهای اروپایی، اصل تناظر همواره به عنوان یک اصل اساسی در زمینه آیین دادرسی مدنی محسوب شده و به عنوان یکی از اصول راهبردی حاکم بر دعوا معرفی شده است. علمای حقوقی در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف اروپایی، با استنتاج از برخی اصول قانون اساسی از قبیل اصل «برابری شهروندان» و «لزوم احترام به آزادی فردی»، برای اصل تناظر ارزشی مبتنی بر قانون اساسی قائل گردیده‌اند. در صورت فقدان نص قانونی، اصل مذکور در ردیف اصول کلی حقوقی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، از آنجا که این اصل جوهره مفاهیم عدالت و انصاف را تشکیل می‌دهد، در صورت فقدان نص قانونی، بایستی آن را بر منابع الهی، طبیعی، اخلاقی و جهانی مبتنی دانست (۴۰).

همچنین تکلیف قاضی در خصوص رعایت اصل مزبور در ماده ۱۶ قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه به این ترتیب مقرر شده است: «قاضی مکلف است، در تمام شرایط موجب رعایت اصل تناظر گردیده و خود او نیز اصل تناظر را مراعات نماید، قاضی در صورتی می‌تواند در تصمیم خود جهات، توضیحات و مدارک مورد استناد یا تهیه شده توسط اصحاب را لحاظ نماید که اصحاب دعوا توانسته باشند، به نحوه تناظری آن‌ها را مورد مناقشه قرار دهند. قاضی نمی‌تواند تصمیم خود را بر اساس جهات حکمی که شخصاً استخراج نموده بنا نهد، مگر آنکه اصحاب دعوا را از قبل، جهت ارائه ملاحظاتش دعوت کرده باشد» (۴۰).

۵-۲-۶. اصل حق دفاع: اصل «حق دفاع» در دادرسی، در اوایل، از قبیل حقوق اساسی در دادرسی‌های کیفری و مدنی در نظام‌های حقوقی گوناگون بود که به خاطر تغییراتی که به وجود آمد، به دیگر دعاوی نیز سرایت کرد. به همین ترتیب «حق شنیده شدن» به طور عام در حقوق عرفی به مثابه یکی

از رکن‌های عدالت رویه‌ای به حساب می‌آید. عدالت رویه‌ای به شکل کلی و استماع به شکل ویژه و خاص، ضمانتی شکلی را توصیه می‌کند تا صاحب‌منصبان و مراجع، زمان بررسی و اتخاذ تصمیم در مورد اشخاص موظف به مراعات آن‌ها باشند. منظور واقعی نیز در این جا رفتار عادلانه با اشخاص می‌باشد. در واقع می‌شود چنین گفت که شنیدن سخن اشخاص، از ساختار بررسی قضایی به حیطة اتخاذ تصمیم و دادرسی نفوذ پیدا کرده است. خواسته این اصل بر این مبنا استوار است که مقامات و مراجع پیش از اتخاذ تصمیم و یا صدور حکم درباره حقوق و مزایای اشخاص، بایستی گفته‌ها و ادله و دفاعیات آنان را شنیده و مجالی به آن‌ها داده تا از موقعیت و حقوق خود در مرحله تصمیم‌گیری و بررسی، دفاع کنند. در نتیجه حق دفاع متهم این‌گونه است: «مجموعه تضمینات قانونی و قضایی که در سطح ملی، منطقه‌ای و یا بین‌المللی برای افراد که در مظان ارتکاب بزه قرار می‌گیرد، به کار برده می‌شود.» به عبارت دیگر به موجب اصل حق دفاع، هر کس حق برخورداری از استماع (فرصت دفاع) منصفانه در حضور یک قاضی بی‌طرف را دارد و این حق مستلزم فراهم‌ساختن امکانات و تسهیلات لازم است. در واقع این اصل از مؤلفه‌های مهم حقوق بشر محسوب می‌شود و عدول از این اصل موجبات نقض اصول دادرسی منصفانه، تضییع حقوق افراد و صدور حکم برخلاف معیارهای عدالت قضایی را فراهم می‌آورد (۴۱).

در واقع حق استماع و شنیده شدن به طور مستقیم از اصل احترام به افراد و ارج نهادن به حیثیت و کرامت انسانی نشأت می‌گیرد. علاوه بر این، انسان اجازه اعمال حق دفاع را به این دلیل دارا است که طبیعی است برای حفظ حقوق خودش به بهترین نحو ممکن اقدام کند و این اجازه از طبیعت انسان گرفته شده است. مقتضی اصل حق دفاع این است که مرجع رسیدگی‌کننده در فرآیند رسیدگی، کلیه تمهیداتی را که تضمین‌کننده حق دفاع ایشان است، در نظر بگیرد (۴۲). بنابراین حق ارائه توضیحات شفاهی، اطلاع از اوقات رسیدگی،

دادرسی کاربرد دارد. به عبارت دیگر، یکی از معیارهای جریان بهینه که کیفیت دادرسی نامیده می‌شود، رسیدگی به دعوای مطروحه در مدت معقول و متعارف است. رسیدگی به دعوا در مدت معقول و متعارف با عنوان اصل سرعت شناخته می‌شود. با ملاحظه در نظام‌های دادرسی مدنی یکی از اهداف دادرسی که می‌تواند بازتاب دادرسی عادلانه باشد، آن است که ما در اختلاف، در مدت زمانی معقول و متعارف و اندک و با صرف هزینه‌ای کم به نتیجه برسیم و صرف نظر از نتیجه، بهتر است با وقت و هزینه صرف‌شده هماهنگی و سازگاری داشته باشد. دادرسی‌ای که در آن «کیفیت» و «دقت» نیز مفهوم «سرعت» را کامل می‌کنند (۲۰).

واقعیت این است که مطالعه تطبیقی و استفاده از تجربیات کشورهای دیگر که دستگاه قضایی آن‌ها در مقوله اطلاع دادرسی با معضلاتی رو به رو بوده‌اند و امروز با آن مواجه نیستند، می‌تواند در جهت کاهش اطلاع دادرسی در دستگاه قضایی کشورها مفید باشد، هرچند تأثیر آن قابلیت اندازه‌گیری ندارد، اما این تأثیر هر اندازه که کم باشد، حتی با ضریب کم، برای چیرگی بر معضل اطلاع دادرسی در دستگاه قضایی کشورها بارز است و به زحمت آن می‌آرد (۴۴).

مقابله با اطلاع رسیدگی به صورت نهادی در برخی کشورهای اروپایی، از جمله کشور فرانسه قریب به دو دهه پیش رواج و تداوم یافته است؛ این کشور و برخی کشورهای دیگر مانند آلمان و کانادا و حتی نهادهای اتحادیه اروپایی به این دلیل اقدام به ایجاد یک حرفه و شغل نیمه‌وقت و گاه تمام‌وقت جدید در دادگاه‌ها کرده‌اند که بتوانند از طریق آن سرعت و دقت در رسیدگی‌ها را افزایش دهند و این دقیقاً همان مسأله‌ای است که دادگاه‌های ما امروز به نوعی با آن دست بر گریبانند (۴۵).

یک دستیار قضایی، در بسیاری از کشورها تعریف و پیش‌بینی شده است، تا به قضات در رسیدگی به پرونده‌ها کمک و یاری

ابلاغ اوقات، حق حضور، حق ارسال لایحه، حق مشارکت در کشف حقایق مربوط به پرونده، حق دسترسی به اطلاعات و اوراق پرونده و مواردی مانند آن از مقدمات تحقق حق دفاع محسوب می‌گردد و نحوه تضمین هر یک از این موارد در نظام حقوقی نشان‌دهنده کیفیت احسن حق دفاع و معیار عدالت قضایی است. یکی دیگر از جنبه‌های حق دفاع پیش‌بینی امکان ارائه دلایل و مدارک به مراجع دادرسی است؛ امکان ارائه دلایل و مستندات در واقع نوعی ابزار برای دفاع مؤدی از حقوق خویش است (۱۱).

برخی از نویسندگان حوزه حقوقی اتحادیه اروپا به صراحت اظهار داشته‌اند که حق استماع مهم‌ترین حق در نظام حقوقی اتحادیه اروپا محسوب می‌شود. مهم‌ترین منبع و مستند حق استماع در نظام حقوق اتحادیه اروپا ماده ۴۱ منشور حقوق بنیادین است. این منشور به دلیل تصویب هم زمان آن از سوی شورا، پارلمان و کمیسیون اروپایی از اهمیت خاصی در اتحادیه اروپا برخوردار است (۴۳).

همچنین بر مبنای ماده ۲۵۳ معاهده جامعه اروپا که مقرر می‌دارد: «دلایل و مبانی آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و تصمیمات تصویب‌شده، توسط پارلمان و شورای اروپا و همچنین اقدامات، معمولاً توسط شورا و کمیسیون که مبنای تصمیم و اعمال آن‌ها بوده است، باید بیان گردد...»، تکلیف به بیان دلایل در منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا نیز منعکس شده و در بند دو ماده ۴۱ این منشور تکلیف اداره به ارائه دلایل تصمیمات، جز ارکان اداره خوب شمرده شده است.

۲-۷-۵. اصل تسریع در رسیدگی و منع اطلاع دادرسی: زمانی که برای انجام دادرسی طی می‌شود، از نقطه‌ای شروع و در نقطه‌ای پایان می‌پذیرد و مدت آن مشخص نیست که این به مفهوم زمان دادرسی است. اصل سرعت اجرای عدالت که با نام «اصل معقول و متعارف بودن زمان دادرسی» نیز شناخته می‌شود، یکی از اصول مطرح در دادرسی در همه نظام‌های حقوقی است که جهت ایجاد تناسب میان زمان و سایر عناصر

دهند و زیر نظر قضات، بخش‌هایی از بررسی و رسیدگی پرونده را بر عهده گیرند.

دستیاران قضایی در اقدامات مقدماتی پرونده‌ها به قضات کمک می‌کنند. آن‌ها مستندات و رویه قضایی مربوط به پرونده را جستجو و گزارش از پرونده را تهیه می‌کنند. دستیاران قضایی ممکن است بخشی از وقت خود را در کتابخانه‌ها برای جستجو و یافتن مستندات و رویه قضایی سپری کنند. ایشان همچنین در گرفتن اظهارات طرفین پرونده و در نوشتن پیش‌نویس رأی زیر نظر و تحت راهنمایی قضات همکاری می‌کنند. دستیار قضایی با مدیر دفتر دادگاه و با همه کارمندان دادگاه ارتباط دارد و با ایشان همکاری می‌کند (۴۵). به هر تقدیر، یکی از معیارهای ارزیابی کیفیت دادرسی، زمان صرف شده است که حد ایمنی و حساسیت دعوا نیز در گرو آن است. معیاری که مبنای کارایی یا عدم کارایی - که تعیین‌کننده بازدهی یا عدم بازدهی آرای دادرسی در حقوق شکلی می‌باشند - تلقی می‌شود (۴۶).

۵-۲-۸. اصل علنی بودن رسیدگی: اصل علنی بودن دادرسی که در اسناد بین‌المللی نیز به چشم می‌خورد، از اصول بنیادین و اساسی دادرسی است و از نقشی والا و بی‌بدیل در دادرسی منصفانه برخوردار است. اهمیت این اصل در تضمین حقوق دفاعی متهم و حمایت از حقوق او از طریق نظارت افکار عمومی در جریان محاکمه از یکسو و تأمین منافع و مصالح اجتماعی، مانند استقلال و بی‌طرفی قاضی، شفافیت قضایی، حس اعتماد و اطمینان عمومی به دستگاه قضایی، دستیابی به مشروعیت قضایی، بالابردن شأن و اعتبار آرای صادره، پیشگیری از جرم با افزایش اطلاعات و آگاهی‌های عمومی مردم، پیشگیری از فساد قضایی، تقویت پاسخگویی قضایی، جلوگیری از سوءرفتار قضات، کاهش اشتباهات قضایی و مفاسد اداری و موارد متعدد دیگر، بیش از پیش در تمام نظام‌های حقوقی، از جمله نظام حقوقی اروپا مورد توجه قرار گرفته است (۴۷).

از مجموعه رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز چنین به دست می‌آید که مفهوم دادرسی علنی به مفهوم ترکیبی و غیر بسیط است و هیأت دادرسی علنی با نبود حتی یکی از اجزا و الزامات آن، دیگر به این مفهوم دلالت نمی‌کند (۴۸). به علاوه دادرسی علنی دارای محدودیت‌ها و استثنائات متعددی است که در نظام‌های حقوقی مختلف از جمله در نظام حقوقی اروپا به آن اشاره شده است. بر این اساس، علنی بودن دادرسی را نمی‌توان حق مطلق برای طرفین دعوا محسوب کرد، زیرا ممکن است حقوق سایر افراد با این اقدام در معرض خطر قرار گیرد. به همین دلیل، مقامات قضایی باید با توجه به شرایط هر پرونده و با در نظر گرفتن حقوق و منافی که هر یک از طرفین دادرسی واجد آن است، در خصوص موضوع تصمیم‌گیری نماید (۴۹).

به طور کلی برخلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر جزئیات بیشتری در خصوص اصل علنی بودن دادرسی بیان داشته‌اند. در این دو سند آنچه که نمایان است و می‌تواند به تقسیم‌بندی بحث حاضر کمک شایانی نماید، تفکیک مرحله «فرآیند رسیدگی» و «مرحله اعلام حکم» است. چنین تفکیکی در بحث استثناهای وارده بر اصل علنی بودن محاکمات اهمیت فراوان دارد، زیرا اعلان عمومی حکم مشمول استثناهای بسیار کمتری نسبت به علنی بودن فرآیند رسیدگی است. در حقیقت، حتی در مواردی که فرآیند رسیدگی به یکی از دلایل مشخص، غیر علنی باشد، حکم صادره باید به صورت علنی اعلام شود (۱۰). بررسی رویه و آرای صادره از دیوان اروپایی حقوق بشر نیز حکایت از آن دارد که ماهیت دادرسی علنی دو جنبه را دربر می‌گیرد: ۱- علنی بودن فرآیند دادرسی؛ ۲- انتشار علمی رأی.

تحقق فرآیند علنی دادرسی نیازمند دادرسی حضوری از یکسو و حضور مردم در فرآیند دادرسی از سوی دیگر و همچنین حضور مطبوعات و رسانه‌ها در فرآیند دادرسی و رعایت الزامات

هر کدام از آن‌ها است (۴۷). حضور طرفین دعوا در فرآیند دادرسی، موجبات رویارویی متهم با شاکی و گواهان را فراهم آورده، با مشخص شدن صحت ادعاهای متهم و مقایسه آن با آنچه که بزه‌دیده و شهود اعلام می‌دارند، به تحقق دادرسی علنی و در نهایت، تحقق مناسب‌تر عدالت یاری می‌رساند. به همین دلیل است که در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز دادرسی علنی متضمن دو نوع حضور است: ۱- حضور شخص؛ ۲- حضور عامه مردم. پس در وهله نخست بر این اساس، حضور متهم و یا طرفین دعوا در جلسه دادرسی، مقوم مفهوم دادرسی علنی شمرده می‌شود (۴۸). این امر به خصوص در دادرسی‌های مدنی حائز اهمیت بیشتری خواهد بود.

#### ۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش اصول دادرسی منصفانه در رسیدگی‌های مدنی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا مورد شناسایی و ارزیابی قرار گرفت. اصول اجرای دادرسی منصفانه در رسیدگی‌های مدنی در حقوق ایران شامل اصل برائت، برابری امکانات دفاع (تساوی سلاح‌ها)، اصل استقلال قضات، اصل تناظر، اصل حق دفاع (حق برخورداری از تسهیلات و زمان کافی برای تهیه دفاعیه)، اصل تسلط طرفین بر دعوای مدنی، اصل تسریع در رسیدگی و منع اطاله دادرسی، اصل علنی‌بودن دادگاه، اصل تناسب، حق داشتن وکیل و دادرسی منصفانه مبتنی بر داشتن زمان، فرصت دفاع و ابراز ادله و سایر حقوق است. از طرفی، اصول دادرسی منصفانه در رسیدگی‌های مدنی در حقوق اتحادیه اروپا نیز شامل اصل استقلال قضات، اصل برائت، اصل بی‌طرفی مقام قضایی و برابری طرفین، اصل تساوی سلاح‌ها، اصل تناظر، اصل حق دفاع، اصل تسلط طرفین بر دعوای مدنی، اصل تسریع در رسیدگی و منع اطاله دادرسی و اصل علنی‌بودن رسیدگی است.

در نهایت می‌توان دریافت اصول دادرسی منصفانه در رسیدگی‌های مدنی در حقوق اتحادیه اروپا و حقوق ایران

مشترک است، اما نکته بسیار مهمی که نباید از نظر دور داشت، این است که در هر دو حقوق ایران و حقوق حاکم بر دادگاه‌های اتحادیه اروپا اصول دادرسی منصفانه به صراحت و در قالب یک مجموعه قانون مستقل دارای ضمانت اجرای مشخص و مستقل نبوده و ضمانت اجرایی که بیان کردیم به دلیل پذیرفته‌شدن روح اصول دادرسی منصفانه است که در قوانین ایران و اتحادیه اروپایی به آن اشاره شده است؛ و نه اینکه ضمانت اجرایی صراحتاً برای دادرسی منصفانه در نظر گرفته شده باشد، بلکه بیشتر می‌توان گفت پایبندی قضاتی که دست‌پرورده اساتید صاحب دکترا و علمای حقوق هستند، ضامن اعمال اصول دادرسی منصفانه است. لذا این خلأ وجود دارد و بایسته است قانونگذاران در کشورهای اروپایی و حقوق ایران ضمانت‌های صریح در خصوص دادرسی منصفانه در قوانین تدوین نمایند و در مواد قانونی صراحتاً به آن بپردازند، چراکه بدون اصول دادرسی منصفانه آرای محاکم قضایی فاقد ارزش و اعتبار در نزد جامعه حقوقی است. طراحی ضمانت اجرای مؤثر برای اصول مزبور به ویژه در نظام داخلی از این جهت دارای اهمیت بسیار زیادی است که در عمل حکومت قانون و عناصر تشکیل‌دهنده آن در نظام اتحادیه اروپا بیشتر اعمال و اجرا می‌شود. دلیل این مسأله به نحوه اجرا و اهتمام نسبت به اجرای اصول مزبور بازمی‌گردد. در حقوق اتحادیه اروپا، از طریق سازوکارهای مختلف، شفافیت و قابلیت پیش‌بینی، در تمام جنبه‌های نظام‌های حقوقی اعمال می‌شود، در نتیجه برای اجرای اصول دادرسی عادلانه نیاز کمتری برای طراحی و تصویب ضمانت اجرا وجود دارد، اما در نظام حقوقی ایران، این سازوکارها با دقت طراحی و ارائه نشده‌اند، در نتیجه نیاز مبرمی به طراحی و تصویب ضمانت اجرای مناسب برای اصول مزبور وجود دارد. نکته‌ای که در پایان نیز باید به آن دقت داشت، این است که اصول دادرسی منصفانه در فضای حقوق بشر اتحادیه اروپا، مصداقی از حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود، در نتیجه اصول مزبور جزئی از حقوق غیر

قابل عدول به شمار می‌روند. به بیان ساده‌تر، اصول مزبور در هیچ شرایطی (حتی در صورت وجود معاذیر موجهه مسؤولیت) قابل عدول نیستند، در حالی که اصول مزبور در نظام حقوق داخلی ایران دارای چنین وصفی نیستند. به تعبیری اصول مزبور مطابق با قواعد عمومی، در صورت وجود شرایط و عوامل موجهه مسؤولیت (مانند اضطرار) قابل تعلیق یا عدول هستند.

#### ۷. تقدیر و تشکر

نویسندگان مراتب تقدیر و تشکر خود را از تمامی عزیزانی که در تهیه و تدوین این مقاله مساعدت و همکاری نموده‌اند، اعلام می‌دارند.

#### ۸. سهم نویسندگان

این پژوهش مستخرج از رساله دکتری است که سهم نویسندگان در آن عبارت است از:  
محمدحسن تراپی میرزائی: نگارش مقاله.  
علیرضا مظلوم رهنی و علیرضا رجبزاده: نظارت و راهنمایی در تنظیم مقاله.

#### ۹. تضاد منافع

در این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

## References

1. Momtaz J, Motevasel S. The right to a fair trial in the European Convention on Human Rights. *Journal of Public Law Studies*. 2016; 46(4): 855-872. [Persian]
2. Tariverdi S, Abbasi M. The principle of fair trial in administrative tribunals and medical disciplinary boards. *Medical Law Journal*. 2009; 3(9): 113-148. [Persian]
3. Taqawi Z, Poshtdar H. The role and function of the National Land Dispute Resolution Commission from the perspective of the principles of fair trial. *Public Law Research Winter*. 2015; 49(1): 155-177. [Persian]
4. Beyranvand F. The procedure of national courts in confronting with international soft law with emphasis on international humanitarian law. Ph.D. Dissertation. Tehran: Islamic Azad University; 2020. p.325. [Persian]
5. Rumani F. The Principle of Innocence in History. *Legal Journal of Justice*. 2008; 63(1): 176-190. [Persian]
6. Fakhar Tusi J. Defendants' rights (jurisprudence-law). Qom: Institute of Islamic Sciences and Culture; 2012. p.57. [Persian]
7. Fazaeli M. Fair Trial, International Trials. Tehran: Shahr-e Danesh Publications; 2009. p.179-294. [Persian]
8. Akbari A, Malmir M, Poor Baferani H. The Concept and Principles of Deviation from the Principle of Innocence. *Scientific-Research Journal of Islamic Jurisprudence and Law*. 2015; 8(14): 1-19. [Persian]
9. Mousavi Bojnourdi M, Rouhani S. Characteristics of Judicial Justice from the Perspective of Amir al-Mo'menin Ali (AS) and the Jurisprudential Opinions of Imam Khomeini. *Matin*. 2012; 54(1): 1-28. [Persian]
10. Qari Seyed Fatemi M. Human Rights in the Contemporary World. Tehran: Shahr-e Danesh Institute for Legal Studies and Research; 2009. p.20, 80, 240. [Persian]
11. Rostami V, Kazemi D. Assessing the Principles of "Right to Defense" and "Publicity" of Tax Procedure in the Iranian and British Legal System. *Quarterly Journal of Public Law Studies*. 2018; 49(4): 71-99. [Persian]
12. Montazeri H. Jurisprudential Principles of Islamic Government. Tehran: Sarai Publications; 2000. p.23, 310, 312. [Persian]
13. Ghaffari H, Abbasi A. A Review of the Rights of the Accused Based on the Iranian Legal System and Transnational Documents. *Jurisprudence and Family Law*. 2006; 43(1): 18-37. [Persian]
14. Shams Nateri M. Collection of Analytical Articles by Dr. Mohammad Ashouri. Tehran: Samat Publications; 2004. p.334-335. [Persian]
15. Abbasi B. Human Rights and Fundamental Freedoms. Tehran: Justice Publications; 2014. p.229-230. [Persian]
16. Dekhoda AA. Dekhoda Dictionary. Tehran: University of Tehran Press; 2006. p.1011. [Persian]
17. Eftikhar Jahromi G, Alsan M. Civil Procedure. Tehran: Mizan Publications; 2018. p.104. [Persian]
18. Taha F, Ashrafi L. Fair Trial. Tehran: Mizan Publications; 2007. p.91-94. [Persian]
19. Abi Jomhoor A. Awali al-Laali al-'Aziziyah fi l-Ahadith ad-Diniyyah. Qom: Sayyid al-Shuhada; 1985. p.222.
20. Mohseni H. Ritual Justice, Research on Theories of Fair Civil Procedure, Law Quarterly. *Journal of the Faculty of Law & Political Science*. 2008; 1(38): 300-321. [Persian]
21. Pourostad M, Saadat M. The Principle of Proportion in Civil Procedure. *Comparative Iranian and International Legal Research*. 2016; 10(35): 51-90. [Persian]
22. Moazenzadegan H. The right of the accused to defend himself in criminal proceedings and its comparative study. Ph.D. Dissertation. Tehran: Tarbiat Modares University; 1994. p.210. [Persian]
23. Mahallati S. Principle of No Province. *Journal and Political Science, Baqerul Uloom University*. 2004; 25(1): 63-72. [Persian]
24. Varoei J. Principles and Documents of the Constitution under the Observance of the Legislator. Qom: Publications of the Secretariat of the Assembly of Experts; 2010. p.351-352. [Persian]
25. Rajabi E, Chavoshi MM. Developments in the entity of security and corrective measures. *Iranian and International Journal of Comparative Legal Research*. 2018; 11(35): 110-129. [Persian]
26. Yavari A. From Trial to Fair Trial, Transformation in Contents to the Classical Realm of Trial and Its Guarantees. *Research and Law*. 2004; 68(1): 211-260. [Persian]

27. Golduzian I. Defense Law in Judicial Authorities. *Legal Studies*. 1992; 3(1): 12-49. [Persian]
28. Ziaiefar M. The right to have a lawyer or legal advisor in the preliminary investigation stage, Constitutional Law. Tehran: Kamali Publications; 2010. p.41. [Persian]
29. Larkins CM. Judicial Independence and Democratization: A Theoretical and Conceptual Analysis. *Am. J. Comp. L.* 1996; 44: 605.
30. Azizi E. The Impact of Judge Selection Method and Judge Independence on US Law with a Look at Iranian Law. *Journal of Comparative Law Research*. 2013; 1(1): 110-129. [Persian]
31. Hashemi M. Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Mizan Publications; 2010. p.25-26. [Persian]
32. Bahrami N. The Right to a Fair Trial in the Preliminary Investigation Stage in the Judicial Procedure of the European Court of Human Rights. *Journal of Legal Research*. 2012; 21(1): 101-129. [Persian]
33. Fazaeli M. Fair Trials in International Criminal Trials. Tehran: Shahr-e Danesh Institute for Legal Studies and Research; 2008. p.296-297. [Persian]
34. Khedri S. Principles of Procedure in International Commercial Arbitration. *Quarterly Journal of Private Law Studies*. 2014; 44(4): 511-532. [Persian]
35. Katuzian N. Proof and Reason for Proof. Tehran: Mizan Publications; 2003. p.42-43. [Persian]
36. Salehi F. A Comparative Study of Judges' Independence and Fair Trials in Iranian Law and International Documents. Tehran: Majd Publications; 2017. p.41-42. [Persian]
37. Kashkoli M, Vjeh M. The Basic Principle of Ensuring the Principle of Judicial Impartiality in the International System and Islamic Law. *Quarterly Journal of Judicial Legal Perspectives*. 2018; 24(84): 268-289. [Persian]
38. Khandani V, Amerinia M, Karimi G. Judicial Independence in Iranian and British Law. *Comparative Iranian and International Legal Research*. 2018; 11(41): 189-210. [Persian]
39. Saqian M. The Principle of Equality of Weapons in the Criminal Process (Based on the Laws of France and Iran). *Journal of Justice*. 2006; 56(1): 78-90. [Persian]
40. Shir Mohammadi N, Saffar M, Ghasemi V. A Comparative Study of the Principle of Correspondence in Iranian and French Law. *Scientific Quarterly Journal of International Legal Research*. 2020; 13(47): 103-126. [Persian]
41. Fallahzadeh A. Developments in Administrative Law in England and Iran. *Quarterly Journal of Public Law Research*. 2013; 15(41): 170-193. [Persian]
42. Shams A. Advanced Civil Procedure. Tehran: Darrak Publications; 2012. p.78-79. [Persian]
43. Kadkhodai A. Structure and Law of the European Union. Tehran: Mizan Publications; 2001. p.67-69. [Persian]
44. Juybari R. The Role of Judgment in Procrastination. *Quarterly Journal of Legal Perspectives*. 2011; 1(1): 92-101. [Persian]
45. Soltani N. Judicial Assistant in France: An Institution for Judicial Training and Increasing Quality, Speed and Proceedings in Iran. *Quarterly Journal of Comparative Research in Islamic and Western Law*. 2019; 6(2): 1-28. [Persian]
46. Habibi B. Economic Analysis of Private Law. Tehran: Majd Publications; 2010. p.152-153. [Persian]
47. Hajipour A, Hashemi M, Yavari A. A Comparative Study of the Concept and Requirements of Public Criminal Procedure in Iranian Law and International Standards. *Comparative Law Studies*. 2018; 9(1): 87-116. [Persian]
48. Ghorbani A. Fair Trial in the Procedure of the European Court of Human Rights. Qom: Emrooz Publications; 2010. p.218, 223. [Persian]
49. Razavifard B, Ghorbanzadeh H, The right to a public hearing as one of the defense rights of the accused in international criminal courts. *Journal of Comparative Law Studies*. 2016; 7(1): 149-170. [Persian]



## Majale "Akhlāq-i zīstī" (i.e., Bioethics Journal)

2021; 11(36): e25

<https://doi.org/10.22037/bioeth.v11i36.35592>



### ORIGINAL RESEARCH



## Moral and Legal Principles of Fair Trial in Civil Proceedings in Iranian and EU Law

Mohamadhasan Torabimirzaee<sup>1</sup> , Alireza Mazloom Rahni<sup>2\*</sup> , Alireza Rajabzadeh<sup>3</sup>

1. Ph.D. Student in Private Law, Department of Law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Shahr-e Qods Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor and Faculty Member, Raja University, Qazvin, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

#### Article history:

**Received:** 07 July 2021

**Accepted:** 29 October 2021

**Published online:** 07 December 2021

#### Keywords:

Principles of Fair Trial

Civil Procedure

Iranian Law

European Union

### ABSTRACT

**Background and Aim:** The right to a fair trial includes a set of principles and rules which is designed to protect the rights of the parties in litigation. These safeguards are recognized as one of the fundamental human rights in international human rights documents, such as the Universal Declaration of Human Rights, the Covenant on Civil and Political Rights, the European Convention on Human Rights, and the American Convention on Human Rights. The purpose of this study is to investigate these principles in the legal system of Iran and the European Union.

**Materials and Methods:** This research is theoretical in terms of type and the method is descriptive-analytical. The method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

**Ethical Considerations:** In order to organize this research, while requiring the authenticity of the texts, the principles of honesty and fidelity have been observed.

**Findings:** Findings show that the international principles of fair trial in the Iranian law and the European Union has been considered theoretically, but if it is implemented accurately and decisively in the field of action, it will strengthen public trust and lead to a fair and credible trial.

**Conclusion:** The principles of fair trial in civil proceedings are common to EU law and Iranian law, but in both Iranian legal system and the courts of the European Union, the principles of fair trial are not explicitly guaranteed, and the guarantee of enforcement is due to the acceptance of the spirit of the principle of fair trial as mentioned in Iranian and European Union law, nor is the enforcement guarantee explicitly intended for a fair trial.

\* **Corresponding Author:** Ali Reza Mazloom Rahni

**Address:** Department of Law, Faculty of Humanities, Shahr-e Qods Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

**Postal Box:** 795151395

**Email:** dr.mazloom14@yahoo.com

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

**Cite this article as:**

Torabi Mirzaee MH, Mazloom Rahni AR, Rajabzadeh AR. Moral and Legal Principles of Fair Trial in Civil Proceedings in Iranian and EU Law. *Majale "Akhlāq-i zīstī" (i.e., Bioethics Journal)*. 2021; 11(36): e25.